

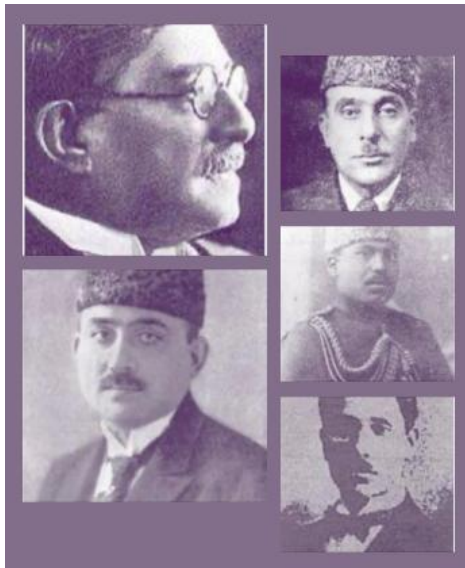
مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۳۰

نویسنده: ن. جلیل زاد

سالاران سه گانه مشروطه در افغانستان تاریخ یک آرمان ناتمام



مجموعه سه موج مشروطه خواهی افغانستان، از آغاز سده بیستم تا نیمه قرن بیستم، یکی از مهم ترین تجربه های سیاسی و فکری در تاریخ این سرزمین است، تجربه ای که با وجود شکست های سیاسی، بنیان های دولت مدرن، قانون گرایی و مفهوم «ملت صاحب حق» را در افغانستان کاشت.

این قلم، با اتکا بر روش شناسی تاریخی، تحلیلی، نقد منابع اولیه و ثانویه، و توجه به زمینه زمانی و مکانی، سه موج مشروطه خواهی را در قالب یک روایت منسجم بررسی می کند و نقش سالاران این سه دوره را در شکل دهی به اندیشه سیاسی افغانستان تحلیل می نماید.

زمینه تاریخی و مساله ای تحقیق پژوهش پرسش اصلی این تحقیق چنین است:

سه نسل مشروطه خواهان افغانستان چگونه در شکل دهی به مفهوم قانون، دولت مدرن و مشارکت سیاسی نقش ایفا کردند و چرا هر سه موج با شکست سیاسی اما پیروزی فکری همراه شدند؟

برای پاسخ به این پرسش، منابع اولیه شامل سراج الاخبار، مکاتبات محمود طرزی، خاطرات عبدالهادی داوی، اسناد دوره امانی، و گزارش های محاکمات مشروطه خواهان بررسی شده اند.

منابع ثانویه مانند آثار غبار، فرهنگ، حبیبی و تحقیق های معاصر نیز چارچوب های تحلیلی متفاوتی ارائه می کنند. این منابع، با وجود ارزش تاریخی، اغلب سوگیری های سیاسی، ملی گرایانه یا ایدئولوژیک دارند و نیازمند نقد درونی و مقایسه ای اند.

مشروطه اول

بیداری فکری و شبکه های مخفی

(۱۹۰۳-۱۹۰۹)

مشروطه اول در دوران امیر حبیب الله خان شکل گرفت، دوره ای که افغانستان در انزوای سیاسی و فشارهای امپراتوری بریتانیا قرار داشت. سالاران این موج، محمود طرزی، مولوی واصف، عبدالهادی داوی، قاضی عبدالسلام، نادرخان و نبی خان چرخ و دیگران، بیش از آن که نیروی نظامی باشند، مهندسان فکری بودند.

عناصر کلیدی این موج

ورود مفاهیم جدید مانند «وطن»، «ملت»، «قانون» و «ترقی» از طریق ترجمه های طرزی

شکل گیری شبکه های مخفی روشنفکری

تلاش برای محدود کردن قدرت مطلق شاه

استفاده از زبان دینی برای مشروعیت بخشی به عدالت.

این موج با اعدام و تبعید رهبران سرکوب شد، اما گفتمان آن در ذهن نسل بعدی ریشه دواند و به عنوان نخستین تلاش سازمان یافته برای قانون خواهی در افغانستان ثبت شد.

مشروطه دوم

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

دولت‌سازی و اصلاحات ساختاری
(۱۹۱۹-۱۹۲۹)

دوره امانی نقطه اوج مشروطه خواهی افغانستان است .
امان‌الله خان، محمود بیگ طرزی، عبدالرحمن لودین، غبار، داوی و دیگران، مشروطه را از سطح اندیشه به سطح
نهادسازی رساندند.

دستاورد های این موج
استقلال سیاسی از بریتانیا
تصویب نخستین قانون اساسی
(نظام‌نامه اساسی ۱۹۲۳)

ایجاد شوراها، محاکم جدید، مدارس دخترانه و مطبوعات آزاد
تلاش برای اصلاحات اقتصادی، اداری و قضایی
اما این موج با مقاومت ساختارهای قبیله ای، روحانیون محافظه کار، و فشارهای خارجی روبه رو شد .
شکست سیاسی امان‌الله خان تا حدودی ، نه از ضعف اندیشه، بلکه از شتاب اصلاحات و نابرابری قدرت میان دولت
و جامعه سنتی ناشی شد .
با این حال، میراث فکری و نهادی این دوره، همچنان یکی از ستون های دولت سازی در افغانستان است.

مشروطه سوم

مبارزه مدنی و پارلمانی
(دهه ۱۹۴۰-۱۹۵۰)

پس از سقوط امان‌الله، مشروطه‌خواهی وارد مرحله سوم شد، مرحله ای که نه شاه اصلاح طلبی وجود داشت و نه
فضای انقلابی .

سالارانی چون غبار، عبدالرحمن محمودی، سید اسماعیل بلخی، محمدصدیق فرهنگ، میوندوال و بینوا، مبارزه را
از میدان نظامی به عرصه مدنی، مطبوعاتی و پارلمانی منتقل کردند.

خصوصیت های این موج

تأسیس احزاب نوین و مطبوعات مستقل
نقد استبداد سلطنتی و فساد اداری

تلاش برای احیای قانون اساسی و انتخابات واقعی

پیوند با جریان های جهانی ضد استبداد و ضد استعمار

این موج نیز با کودتاها و سرکوب های سیاسی محدود شد، اما میراث آن در شکل گیری جامعه مدنی و فرهنگ
سیاسی افغانستان ماندگار شد.

سالاران سه موج مشروطه

فهرست چهره های برجسته

محمود طرزی

مولوی محمد سرور و اصف

عبدالهادی داوی

میر زمان کنری

قاضی عبدالسلام

عبدالرحمن لودین

نادرخان چرخي

عبدالرحمن پژواک

سید اسماعیل بلخی

غلاممحمد غبار

عبدالرحمن محمودی

امان‌الله خان

محمود بیگ طرزی

محمدولی خان دروازی

محمدولی خان نصر

علی احمد خان
آصف آهنگ
عبدالرحمن نایب سالار
عبدالحی حبیبی
محمدصدیق فرهنگ
عبدالروف بنوا
محمد هاشم میوندوال
عبدالرحمن خان لودین
عبدالرحمن خان قاضی
عبدالرحمن خان محمودی
عبدالرحمن خان پژواک
عبدالرحمن لودین (در هر سه موج نقش داشت)
تحلیل تطبیقی سه موج

سه موج مشروطه خواهی افغانستان، هر چند از نظر سازمان، ابزار مبارزه و نتیجه متفاوت بودند، اما در یک نقطه به هم می رسند :

تلاش برای تبدیل قدرت مطلقه به قدرت قانونی.

موج اول، بذر اندیشه را کاشت.

موج دوم، نهادهای مدرن را ساخت.

موج سوم، فرهنگ سیاسی نوین را تثبیت کرد.

این سه نسل، با وجود شکست های سیاسی، در مجموع ستون های فکری و نهادی افغانستان مدرن را ساختند و مفهوم «ملت صاحب حق» را در فرهنگ سیاسی کشور نهادینه کردند.

مشروطه خواهی افغانستان، تاریخ یک آرمان ناتمام است، آرمانی که سه نسل از روشنفکران، مبارزان، اصلاح طلبان و رهبران سیاسی برای تحقق آن کوشیدند .

آنان با وجود سرکوب، تبعید، اعدام و شکست های سیاسی، توانستند زبان سیاسی افغانستان را دگرگون کنند و مفاهیمی چون قانون، آزادی، شورا، مشارکت و دولت مدرن را وارد فرهنگ سیاسی کشور سازند .

مطالعه این سه موج، نه تنها برای فهم گذشته، بلکه برای بازاندیشی آینده افغانستان ضروری است، زیرا هر بار که بحث قانون، عدالت و مشارکت ملی مطرح می شود، پژواک صدای همان سالاران مشروطه دوباره شنیده می شود.

نقش زنان، مطبوعات و سراج الاخبار در سه موج مشروطه خواهی افغانستان

افزودن این لایه تحلیلی، تصویر سه موج مشروطه خواهی را کامل تر می سازد، زیرا هیچ یک از این جنبش ها بدون حضور زنان، مطبوعات و دستگاه فکری ای که سراج الاخبار بنا کرد، قابل فهم نیست .

این سه عنصر، ستون های پنهان اما تعیین کننده تاریخ قانون خواهی افغانستان اند، ستون هایی که در کنار سالاران مشروطه، مسیر دولت سازی و ملت سازی را شکل دادند.

حضور زنان

از خاموشی اجباری تا اعتراض و عکس العمل های سیاسی

نقش زنان در سه موج مشروطه، هر چند در منابع رسمی کمتر بازتاب یافته، اما در واقعیت تاریخی بسیار عمیق تر از آن چیزی است که روایت های مردمحور نشان می دهند.

در مشروطه اول

زنان در این دوره بیشتر در قالب شبکه های خانوادگی و فرهنگی نقش داشتند .

همسران و دختران روشنفکران مشروطه خواه، حاملان پنهان اندیشه نو بودند .

آموزش مخفیانه دختران، تبادل کتاب و ترجمه ها، و حمایت از حلقه های فکری مردان، بخشی از این نقش بود .

هر چند نام ها کمتر ثبت شده اند، اما بدون این پشتوانه خانوادگی، شبکه های مخفی مشروطه دوام نمی آورد.

در مشروطه دوم

دوره امانی نقطه عطف حضور زنان است.

ملکه ثریا طرزی، یکی از برجسته ترین چهره های اصلاح طلب تاریخ افغانستان، با سخنرانی ها، مدارس دخترانه، نشریه «ارشادالنسوان» و حمایت از کشف حجاب اختیاری، زنان را از حاشیه به متن آورد.

مدارس دخترانه، نخستین بار در این دوره تأسیس شد و زنان به عنوان معلم، پرستار و متعلمان و محصلان وارد عرصه عمومی شدند. زنان در مطبوعات، برای نخستین بار قلم به دست گرفتند و درباره حقوق، آموزش و اصلاحات نوشتند. این حضور، بخشی از مقاومت محافظه‌کاران علیه امان‌الله را نیز برانگیخت، زیرا تغییر جایگاه زنان، ساختارهای سنتی قدرت را به چلنج می کشید.

در مشروطه سوم

در دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، زنان وارد عرصه سیاسی و مدنی شدند. انجمن های زنان شکل گرفت. زنان در مطبوعات و احزاب سیاسی نقش یافتند. چهره هایی چون روح انگیز غبار و فعالان زن در حلقه های فرهنگی کابل، گفتمان حقوق زنان را به بخشی از مبارزه مشروطه خواهانه تبدیل کردند. حضور زنان در این دوره، پایه های جامعه مدنی معاصر افغانستان را ساخت. مطبوعات

ماشین فکری مشروطه

هیچ جنبش مشروطه خواهی بدون مطبوعات دوام نمی آورد. در افغانستان نیز روزنامه ها، مجلات و شب نامه ها، نقش «پوهنتون سیاسی» را ایفا کردند. در مشروطه اول مطبوعات بیشتر در تبعید یا خارج از کشور منتشر می شدند. نشریاتی چون حبل‌المتین و چاپ های هندی و عثمانی، مفاهیم قانون، آزادی و وطن را وارد افغانستان کردند. این نشریات، حلقه های مخفی مشروطه خواهان را تغذیه فکری می کردند. در مشروطه دوم

این دوره، عصر طلایی مطبوعات افغانستان است. سراج‌الخبار، مهم ترین نشریه سیاسی تاریخ افغانستان، به رهبری محمود طرزی، گفتمان ملی گرایی، قانون خواهی و استقلال را ساخت.

نشریاتی چون «ارشادالنسوان»، «امان افغان» و «اتحاد مشرق» نیز در شکل دهی به افکار عمومی نقش داشتند. در مشروطه سوم مطبوعات مستقل و نیمه مستقل، مانند «وطن»، «ندای خلق»، «آئینه افکار» و «کابل»، به میدان اصلی مبارزه مدنی تبدیل شدند.

غبار، بلخی، فرهنگ و بینوا، از طریق مطبوعات، نقد استبداد و فساد را به گفتمان عمومی تبدیل کردند. مطبوعات، نخستین بار امکان گفت و گوی سیاسی میان مردم و دولت را فراهم کردند.

تحلیل سراج‌الخبار

آزمایشگاه اندیشه مدرن

سراج‌الخبار (۱۹۱۱-۱۹۱۸) نه فقط یک روزنامه، بلکه پروژه فکری، سیاسی بود که سه کارکرد اساسی داشت:

ساختن زبان سیاسی نو

طرزی، لغت های چون «ملت»، «وطن»، «قانون»، «ترقی»، «حقوق»، «آزادی» و «استقلال» را وارد زبان سیاسی افغانستان کرد. این لغات، بعدها در قانون اساسی ۱۹۲۳ و گفتمان سیاسی نسل سوم مشروطه‌خواهان تثبیت شد.

پیوند دادن افغانستان با جهان

سراج‌الخبار، اخبار عثمانی، ایران، هند، مصر و اروپا را منتشر می کرد و افغانستان را از انزوای فکری بیرون می آورد. این نشریه، نخستین پل میان افغانستان و جریان های جهانی ضد استعمار بود.

نقد استبداد و استعمار

طرزی با زبانی محتاط اما عمیق، استبداد داخلی و استعمار خارجی را نقد می کرد. این نقد، زمینه استقلال ۱۹۱۹ را فراهم ساخت و امان‌الله را به رهبر اصلاحات بدل کرد.

سراج‌الخبار، در واقع «پوهنتون سیاسی» نسل دوم و سوم مشروطه خواهان بود.

عناصر تکمیلی در فهم سه موج مشروطه

چند نکته مهم دیگر، تصویر این سه موج را کامل تر می سازد:
شبکه‌های فراملی
مشروطه‌خواهان با روشنفکران ایرانی، عثمانی، هندی و قفقازی در ارتباط بودند.
نقش روحانیون اصلاح طلب، چهره‌هایی مانند مولوی واصف و برخی علمای امانی، پیوند میان دین و قانون را ممکن ساختند.
طبقه متوسط شهری، رشد آموزش، تجارت و ارتباطات، زمینه اجتماعی مشروطه را تقویت کرد.
مقاومت ساختارهای قبیله‌ای: هر سه موج، در برابر ساختارهای سنتی قدرت با چلنج روبه‌رو شدند.
تداوم گفتگویی
شکست سیاسی هر موج، بذر فکری موج بعدی را کاشت.
نقش زنان، مطبوعات و سراج‌الخبار، سه ستون پنهان اما بنیادین مشروطه خواهی افغانستان اند.
زنان، با وجود محدودیت‌ها، حاملان و سپس مسولیت پذیر اندیشه نو شدند.
مطبوعات، ماشین فکری و آموزشی جنبش بودند.
سراج‌الخبار، آزمایشگاه زبان سیاسی مدرن افغانستان بود.
این سه عنصر، در کنار سالاران مشروطه، تاریخ قانون خواهی افغانستان را ساختند و میراثی برجای گذاشتند که هنوز در مبارزات امروزی برای عدالت، آزادی و دولت قانون مدار پژواک دارد.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد